

اولین هفته‌نامه حقوقی کشور

آفتاب حقوق

خاطراتی

از استاد

امیرناصر کاتوزیان



صفحه ۳

سه‌شنبه ۱۴ آذر ماه ۱۴۰۲ سال دوم شماره ۴۱ (آفتاب حقوقی به همراه روزنامه سراسری آفتاب بزد)

مصالحة سه‌پنجم:

لکه ننگی در قانون اساسی آمریکا

آمریکا که این روزها نیز نتیجه‌اش قابل مشاهده است مسئله برده‌داری است. نتیجه این چالش را هنوز نتوانسته‌اند کاملاً حل کنند. تظاهرات مربوط به کشتن جرج فلویید و کشتارهای فجیعی که در شهرهای دیگر شده و دستگاه پلیس گاه نژادپرستانه‌ای که در بسیاری از شهرها حاکم است و نظام اقتصادی نژادپرستانه‌ای که مثلاً سبب شده سیاه‌پوستان آمریکایی خیلی بیشتر از سفیدپوستان از کرونا بمیرند؛ به گمان خیلی‌ها (عباس میلانی، درباره تجدید و سیاست و فرهنگ، ص. ۵۰) پیامد همین آغاز نادرست در تاریخ آمریکاست.

وقتی در آمریکا قانون اساسی را تنظیم و تدوین می‌کردند، در جمله اول می‌گویند ما مردم معتقد هستیم همه باهم برابرند. این آرمان بود ولی دروغ هم بود؛ زیرا همان زمان کسانی که این اصل را نوشتند برده‌دار بودند. تامس جفرسون؛ که تجسم لیبرال دموکراسی است، برده‌دار بود و با خواهر ناتنی زن خودش؛ خانم سلی همینگز (Hemings) که برده‌اش بود رابطه داشت و از او شش فرزند داشت؛ ولی او کماکان از لحاظ قانونی برده بود. این یعنی اساس اصل برابری همه درواقع بر یک دروغ استوار بود و در زمانی که این قانون اساسی تصویب می‌شد، یک پنجم جمعیت آمریکا از بردگان بودند و هیچ حقی نداشتند. در دوران برده‌داری که مبدعش بریتانیا، پرتغال، اسپانیا، بلژیک و سپس آمریکا بودند، دوازده و نیم میلیون انسان بی‌گناه سیاه‌پوست را در غل و زنجیر کردند و به کشورهای غربی آوردند. دو میلیون نفر را به آمریکا می‌آوردند و دو و نیم میلیون نفر نیز در راه کشته می‌شدند. وقتی که ارقام برده‌ها و کشته‌های آن‌هایی را که در مسیر آمدن به آمریکا در این کشتی‌های وحشتناک کشته شدند، بخوانید درمی‌یابید که واقعاً چه جنایت عظیمی به وقوع پیوسته است. در این میان کسانی که قانون اساسی ایالات‌متحده را تنظیم می‌کردند، به‌رغم اینکه آمال و ایدئال‌های لیبرالی داشتند، واقعیت زندگی و سیاسی زمانه آن‌ها و گاه منافع شخصی‌شان، اجازه نمی‌داد به آن آمال عمل کنند.

آنان وقتی تدوین جزئیات قانون اساسی را آغاز کردند، دیدند یک پنجم جمعیت برده است. معضل این بود که نمی‌دانستند باید با این‌ها چه کرد. ایالت‌های غیربرده‌داری نمی‌خواستند این‌ها را در شمار شهروند بیاورند، چون سیستمی که شکل می‌گرفت مبتنی بر این اساس بود که تعداد نمایندگان مجلس مبتنی بر تعداد شهروندان است. از همین‌رو، شمار سکنه ایالت‌هایی که برده داشتند زیاد می‌شد و نمایندگانشان در مجلس هم به همین نسبت بیشتر می‌شد و این دعوای بزرگی

بود که آیا سیاه‌پوستان را به‌عنوان سکنه یا شهروند قبول کنند یا آن‌ها را یکسر نادیده بگیرند.

در نهایت به نتیجه شرم‌آوری رسیدند معروف به مصالحه سه‌پنجم. اگر به قانون اساسی آمریکا نگاهی بیاندازید، در فصل اول، بخش دوم، پاراگراف



دکتر فرشید فرحناکان
عضو هیئت‌مدیره کانون وکلای مرکز

سوم همچنان خواهید دید که افرادی (بخوانید آفریقایی-آمریکایی تبارهای غیرآزاد آن موقع) سه‌پنجم یک انسان هستند: «تعداد نمایندگان و میزان مالیات‌های مستقیم ایالت‌هایی که به اتحادیه ملحق می‌شوند برحسب تعداد جمعیت آن‌ها تعیین می‌شود. تعداد جمعیت با افزودن سه‌پنجم سایر افراد به کل افراد آزاد معین می‌شود. افراد آزاد شامل کسانی است که برای یک دوره چندساله تعهد خدمت داشته باشند ولی سرخپوستان معاف از مالیات را در بر نمی‌گیرد».

گفتند آفریقایی‌برده‌شده را نه به‌عنوان یک انسان کامل؛ بلکه به‌عنوان سه‌پنجم یک انسان به‌رسمیت می‌شناسیم و در محاسباتی که آن زمان صورت گرفت برای تعداد نمایندگان مجلس، به این شکل عمل کردند. این سه‌پنجم انسان‌ها که یک پنجم کل جمعیت آمریکا بودند از بدیهی‌ترین حقوق شهروندی محروم بودند: برده بودند و ارباب هر رفتاری که می‌خواست با این‌ها می‌کرد. می‌توانستند برده‌ها را بکشند، به آن‌ها تجاوز جنسی بکنند و صاحب برده هم مجازات نمی‌شد. هیچ برده‌ای هم نه حق مقاومت و نه حق دفاع داشت و این سنگ بنای ناپایدار شکل‌گیری نظامی بود که از یک جنبه مهم، به‌غایت غیردموکراتیک بود.

با پایان جنگ داخلی آمریکا و آزادی میلیون‌ها برده رهایی‌یافته از نظام برده‌داری دولت فدرال برای حل معضل جدایی نژادی (Racial Segregation)، اصلاحیه سیزدهم قانون اساسی ایالات‌متحده آمریکا را در سال ۱۸۶۵ به تصویب رساند. براساس این اصلاحیه «بردگی و کار اجباری جز به‌عنوان مجازات جرمی که شخص، طبق مقررات به آن محکوم‌شده باشد، در ایالات‌متحده یا هر مکان دیگری در حوزه قضایی آن‌ها» ممنوع شد. این قانون سه سال بعد با اعطای حق شهروندی به کلیه اتباع ایالات‌متحده آمریکا فارغ از نژاد و رنگ پوست بر اساس اصلاحیه چهاردهم قانون اساسی، تکمیل شد.

بدین ترتیب این که یک فرد غیرآزاد (بخوانید سیاه‌پوست‌های غیرآزاد آن موقع) سه‌پنجم یک انسان آزاد (بخوانید سفیدپوست) محسوب می‌شود و از حقوق طبیعی برخوردار نیست، در متن قانون مرجع آمریکا به نگارش در آمد و روابط در تمامی سطوح اجتماعی این کشور در استناد به آن هویت یافت و هنوز هم در متن قانون اساسی آن قابل‌رویت است؛ اگرچه با اصلاحات دیگر این قانون امروز مصداقی برای آن وجود نداشته باشد.

سنگ بنای غیردموکراتیک دیگری نیز که در تاریخ آمریکا وجود داشت

به مسئله بومی‌هایی برمی‌گردد که از پیش در آن قاره بودند و زندگی می‌کردند و بعدها اسمشان را سرخپوست گذاشتند. آنان؛ همان‌طور که در فصل اول، بخش دوم، پاراگراف سوم قانون اساسی این کشور آورده شده، حتی موقعیت سه‌پنجم سیاه‌پوستان را هم نداشتند. صفحه ۴



حقوق شهرداری معلولین



سید بهادر بهادری
حقوقدان

برابر قانون شهرداری‌ها مکلفند صدور پروانه احداث و بازسازی و پایان کار برای تمامی ساختمان‌ها و اماکن با کاربری عمومی از جمله مجتمع‌های مسکونی، تجاری، اداری، درمانی و آموزشی را به رعایت

ضوابط و استانداردهای مصوب شورای عالی شهرداری و معماری ایران و اصلاحات پس از آن در مورد دسترس‌پذیری افراد دارای معلولیت... صفحه ۳

یادداشت ۱

عقود و تعهدات قراردادی



حمیدرضا به‌گذر
وکیل پایه یک دادگستری

مثلاً اگر مالکی تعهد به انتقال ثبت شده خود به نام دیگری به همان معنی کند و انتقال مالکیت ثبت شده از طریق تنظیم سند رسمی انتقال و ثبت آن در دفتر املاک است که لازمه این امر طی مقدمات قانونی و

اداری مخصوص به خوداست. پس تعهد به انتقال مستلزم تعهد به انجام مقدمات نیز هست و قرار داد مربوط به انتقال، خود شامل... صفحه ۸

یادداشت ۲

نقش بزه دیده در وقوع جرائم مبتنی بر خشونت

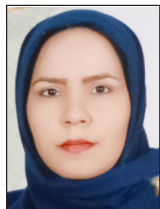


الناز اکبرزاده سراج
دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی

حمایت از قربانیان بزه و کمک به آنها باید بخشی از ارزش‌های اساسی جامعه محسوب شود. تعهدات هر جامعه، نسبت به بزه دیدگان باید از نظر اعتقادی در اعماق نظام کلی آن جامعه ریشه بگیرند. از این رو ایجاد منابع قانونی که حقوق بزه دیدگان از آنها سیراب شوند اهمیتی بسزا دارد، اگر بخواهیم که اقدامات و سیاست‌های مورد نظر علاوه بر ملاحظات بشر دوستانه ... صفحه ۲

یادداشت ۳

امتیازات بکارگیری معلولین در بخش خصوصی



مهديه رعيتي
کارشناس حقوق

برابر قانون کارفرمایان بخش غیردولتی که افراد دارای معلولیت که توانایی انجام کار داشته و مهارت‌ها و آموزش‌های لازم برای اشتغال را کسب نموده باشد را در مراکز کسب و کار خود استخدام کنند، در طول دوران اشتغال افراد... صفحه ۷

تقسیم وجه سند لازم‌الاجرا از سوی اداره ثبت منوط به اثبات اعسار مدیون از پرداخت دفعتاً واحده آن در دادگاه صالح است. رای وحدت رویه شماره ۷۲۳ دیوان عالی کشور: مستفاد از مواد ۲۰، ۲۱ و ۳۷ قانون اعسار مصوب سال ۱۳۱۳ این است که چنانچه مدیون سند لازم‌الاجرا که منتهی به صدور اجراییه از سوی اداره ثبت گردیده است به ادعای اعسار از پرداخت وجه آن، درخواست تقسیط بنماید در صورتی که دائن با آن موافق نباشد تقسیط وجه سند لازم‌الاجرا از سوی اداره ثبت منوط به اثبات اعسار مدیون از پرداخت دفعتاً واحده آن در دادگاه صالح است، بنابه مراتب رأی شعبه بیست و چهارم دیوان عالی کشور که موافق با این نظر است به اکثریت قریب به اتفاق آراء صحیح و منطبق با قانون تشخیص می‌شود.



نقش بزه دیده در وقوع جرایم مبتنی بر خشونت

بیماری‌ها بر درمان مقدم است و هزینه‌اش کمتر و ضایعات آن ناچیز، اما این مهم می‌تواند از طریق خانواده و آموزش و یادگیری، به درستی و با ظرافت از سوی نهادهای ذیربط تحقق یابد. در هر صورت هرگاه در مورد موضوع بزه دیدگی سخن به میان می‌آید دو امکان در پیش است: اول اینکه سعی کنیم کلیه ی خصوصیات محیطی را که گمان می رود عامل بزه دیدگی می‌باشند مورد توجه قرار بدهیم؛ و دوم اینکه بکوشیم اقدامات معینی که جنبه ی پیشگیری داشته باشند، انجام دهیم.

راهکار:

مشارکت فعال بزه دیده در پیشگیری از جرایم مستلزم آگاهی او از وضعیت های پرخطر و روش های اجتناب از آن می‌باشد. تغییر در مدل سبک زندگی و فعالیت های روزانه، جذابیت زدایی و کاهش وسایل تحریک آمیز و از بین بردن عواملی که موجب تحریک و تشویق بزهکاران بالقوه می‌گردد از مهمترین اقداماتی است که آسیب پذیری بزه دیدگان را در این زمینه کاهش می‌دهد. از این رو، به لحاظ اینکه جرایم جنسی بیشتر در قالب عرضه و تقاضا و گزینش عقلانی بزهکاران بالقوه صورت می‌گیرد، لذا زنان می‌توانند با اجتناب از رفتارهایی که امکان بزه دیدگی آنان را زیاد می‌کند، خود را از دایره انتخاب بزهکاران بالقوه خارج و یا احتمال آن را کاهش دهند. بدین ترتیب، پس از بررسی این موضوع، نتایج زیر به دست می‌آید:

از بین بردن وضعیت های پیش جنایی با پیش بینی تدابیری چون جلوگیری از تظاهر به فساد و تحریک بزهکاران بالقوه برای محو زمینه های مساعد جرم‌زا در جرایم جنسی، به کار بردن یافته های بزه دیده شناسی نخستین توسط دست اندرکاران سیاست جنایی. انجام آموزش های لازم در راستای خارج نمودن زنان از موقعیت بزه پذیری، با دشوار نمودن فرآیند ارتکاب جرایم جنسی. شناسایی مکان های جرم خیز و اطلاع رسانی به زنان جهت مراقبت در رفت و آمد به آن مکان ها. شناسایی زنانی که مستعد بزه دیده واقع شدن در جرایم جنسی هستند و مراقبت های لازم از آنان و ترویج فرهنگ خود ایمن سازی. پیش بینی سازوکارهای قانونی در جهت تخفیف کیفر بزهکاران به منظور حمایت کمتر از زنانی که در بزه دیده واقع شدن خود در زمینه جرایم جنسی، نقش اساسی ایفاء می‌کنند که خود این موضوع می‌تواند موجب پیشگیری کیفری از ارتکاب این دسته از جرایم شود.



در فلسفه‌ی جدید عدالت کیفری هدف اولیه‌ی حقوق جزا التیام بخشیدن به صدمه‌ی وارده، ترمیم زیان، جبران خسارت و پیشگیری از وقوع جرم در آینده می‌باشد. چنین نظامی نیاز به یک بازنگری و بررسی مجدد در مورد مرزهای تصنعی که در طول سالیان متمادی بین حقوق مدنی و حقوق جزا بین دادگاه‌های مدنی و دادگاه‌های کیفری و نیز تفاوت تصنعی که میان جرم و شبه جرم ایجاد شده، خواهد داشت.

در نتیجه ی یک پرونده ی مدنی و یک پرونده ی کیفری این است که در مورد اول خسارت به شخص زیان دیده پرداخت می‌شود، در حالی که در مورد اخیر این دولت است که به قیمت زیان بزه دیده، از حکم صادره منتفع می‌گردد و این خصوصیتی است که باید تغییر یابد.

در مجموع نوع بزه دیدگی و تعداد بزه دیگان همه یکسان نیستند. بنابراین نمی‌توان یک روش با شیوه هماهنگی برای پیشگیری از بزه دیدگی پیشنهاد کرد. اگرچه پیشگیری بزه دیدگی مانند سایر



الناز اکبرزاده سراج
دانشجوی دکتری حقوق
کیفری و جرم شناسی

حمایت از قربانیان بزه و کمک به آنها باید بخشی از ارزش‌های اساسی جامعه محسوب شود. تعهدات هر جامعه، نسبت به بزه دیدگان باید از نظر اعتقادی در اعماق نظام کلی آن جامعه ریشه بگستراند. از این رو ایجاد منابع قانونی که حقوق بزه دیدگان از آنها سیراب شوند اهمیتی بسزا دارد، اگر بخواهیم که اقدامات و سیاست‌های مورد نظر علاوه بر ملاحظات بشر دوستانه در مورد بزه دیدگان و وضعیت آنها بر معیارهای دیگری نیز مبتنی باشند لازم است نهادهای حقوقی و اجتماعی، تعهدات جامعه و نیز مسئولیت بزهکار را نسبت به بزه دیده تعیین نماییم. وضعیت فعلی بزه دیدگان ناشی از این واقعیت است که بزه دیگر به عنوان یک تعرض مابین دو انسان، دو موجود بشری محسوب نشده، بلکه به عنوان یک اختلاف میان بزه دیده و جامعه به شمار می‌آید. با چنین نگرشی بزه تعهدی را در مورد بزه دیده ایجاد نمی‌کند. بلکه بزهکار را در قبال جامعه مدیون می‌سازد و زمانی که بزهکار به مجازات برسد دین او نیز ادا شده است. در چنین نمایش نامه‌ای بزه دیده جایگاه و نقشی برای ایفا کردن ندارد.

در فلسفه‌ی جدید عدالت کیفری هدف اولیه‌ی حقوق جزا التیام بخشیدن به صدمه‌ی وارده، ترمیم زیان، جبران خسارت و پیشگیری از وقوع جرم در آینده می‌باشد. چنین نظامی نیاز به یک بازنگری و بررسی مجدد در مورد مرزهای تصنعی که در طول سالیان متمادی بین حقوق مدنی و حقوق جزا بین دادگاه‌های مدنی و دادگاه‌های کیفری و نیز تفاوت تصنعی که میان جرم و شبه جرم ایجاد شده، خواهد داشت. این تفکیک تصنعی که ظاهراً عادی تلقی می‌شود به حال قربانیان جرم و منافع آنها مضر است. اکثریت عمده ی جرائم که به محاکمه منجر می‌گردند سرانجام با یک حکم جزای نقدی به پایان می‌رسند، در حالی که پرونده‌های مدنی نیز با پرداخت خسارت خاتمه می‌گردند، تنها تفاوت واقعی

هزینه شکایت در امور کیفری

هزینه‌های فوق نباشد، هزینه از اعتبارات قوه قضائیه پرداخت می‌شود.

در موارد فوری به دستور مقام قضائی، اقدامات موضوع این ماده، پیش از پرداخت هزینه مربوط انجام می‌شود.

میزان هزینه ایاب و ذهاب گواهان مطابق تعرفه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

هزینه تطبیق رونوشت یا تصویر اسناد و تهیه آن‌ها برابر مقررات قانونی است.

دادگاه مکلف است هنگام صدور حکم، تمامی هزینه‌هایی را که در جریان تحقیقات و محاکمه صورت گرفته است، به تفصیل تعیین و مسوول پرداخت آن را معین کند.

شاکی یا مدعی خصوصی می‌تواند در هر مرحله از دادرسی تمام هزینه‌های پرداخت شده دادرسی را از مدعی علیه طبق مقررات مطالبه کند. دادگاه پس از ذی حق شناختن وی، مکلف است هنگام صدور حکم، مدعی علیه را به پرداخت هزینه‌های مزبور ملزم کند. در صورت محکومیت متهم، پرداخت هزینه‌های دادرسی به عهده او است.

هرگاه شخصی که به موجب حکم دادگاه مسوول پرداخت هزینه دادرسی است، فوت کند، هزینه مذکور از ماترک وی وصول می‌شود.



مذکور از اعتبارات مربوط به قوه قضائیه پرداخت می‌شود، اما هرگاه اقدامات مذکور بنا به درخواست شاکی صورت گیرد، شاکی باید هزینه مقرر را مطابق قوانین و مقررات و تعرفه‌های مربوط، در مهلت تعیین شده، پرداخت کند. در صورتی که شاکی ملزم به پرداخت هزینه مذکور باشد و از پرداخت آن امتناع کند، هزینه مذکور از اعتبارات مربوط به قوه قضائیه پرداخت می‌شود و مراتب به اطلاع دادستان می‌رسد تا به دستور وی و از طریق اجرای احکام مدنی، با توقیف و فروش اموال شاکی، با رعایت مستثنیات دین، معادل هزینه پرداخت شده اخذ و به حساب مربوط در خزانه داری کل واریز شود. در هر صورت از متهم هیچ هزینه‌ای اخذ نمی‌شود.

در صورتی که به تشخیص مقام قضائی، شاکی قادر به پرداخت

شاکی باید هزینه شکایت کیفری را برابر قانون در هنگام طرح شکایت تادیه کند. مطابق قواعد قانون آیین دادرسی کیفری، مدعی خصوصی هم که به تبع امر کیفری مطالبه ضرر و زیان می‌کند، باید هزینه دادرسی را مطابق مقررات مربوط به امور مدنی بپردازد.

چنانچه شاکی توانایی پرداخت هزینه شکایت را نداشته باشد، به تشخیص دادستان یا دادگاهی که به موضوع رسیدگی می‌کند از پرداخت هزینه شکایت معاف می‌شود و هرگاه مدعی خصوصی توانایی پرداخت هزینه دادرسی را نداشته باشد، دادگاه می‌تواند او را از پرداخت هزینه دادرسی برای همان موضوعی که مورد ادعا است، به طور موقت معاف نماید. رسیدگی به امر کیفری را نمی‌توان به علت عدم تادیه هزینه دادرسی از سوی مدعی خصوصی به تاخیر انداخت.

پس از صدور حکم و هنگام اجرای آن، قاضی اجرای احکام کیفری مکلف است هزینه دادرسی را از محل محکوم به استیفاء کند. مگر آنکه محکوم به از مستثنیات دین بوده و یا به میزانی نباشد که موجب خروج محکوم له از اعسار گردد.

شاکی و متهم بابت هزینه انتشار آگهی، ایاب و ذهاب گواهان، حق الزحمه کارشناسان، مترجمان و پزشکان و سایر اشخاصی که به تشخیص مقام قضائی احضار می‌شوند، وجهی نمی‌پردازند و هزینه‌های

اگر فردی بازداشت شود اما بعد بی گناهی او ثابت شده و تبرئه شود آیا می تواند مطالبه خسارت کند؟

مطابق مواد ۲۵۵ الی ۲۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری و همچنین آیین نامه مربوطه اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می شوند و از سوی مراجع قضایی، حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود، می توانند از دولت مطالبه خسارت ایام بازداشت خود را بکنند.

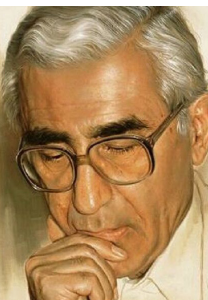
دانستنی های حقوقی

سه شنبه ۱۴ آذر ماه ۱۴۰۲ • سال دوم • شماره ۴۱



خاطرات حقوقی

خاطراتی از استاد امیرناصرکاتوزیان



برگرفته از کتاب «آن سفر کرده» / «دکتر عیسی کشوری»

۱۷

از استاد پرسیدم، شما رسالت خود را در برابر جامعه حقوقی به درستی انجام دادید؛ تألیف و تحقیق در مباحث فقهی و حقوقی و تعلیم و تربیت بسیاری از قضات و حقوق دانان، نتیجه سالها زحمت و تلاش بی وقفه شماست، اکنون از دیگر حقوق دانان و آیندگان چه انتظاراتی دارید؟

استاد پاسخ داد: توقع من از آنها، تلاش برای حفظ اتحاد و یکدلی بین دادگستری و کانون وکلاست. میزانی دو کفه ترازوی عدالت در گرو دو اصل است: یک کفه ترازو، دادگستری سالم و مستقل و عدالت خواه و در کفه دیگر، کانون وکلایی مستقل و مقتدر و تا زمانی که این دو اصل با هم اتحاد و همکاری داشته باشند و در جهت حفظ تعادل و ثبات یکدیگر بکوشند، ما همواره جامعه ای قدرتمند خواهیم داشت، اگر یک طرف میز عدالت، قاضی درستکار و در طرف دیگر وکیلی باشد که بدون ترس، حرف هایش را بزند هرگز ظلم جای عدالت را نمی گیرد.

سرمقاله

حقوق شهرسازی معلولین

برابر قانون شهرداری ها مکلفند صدور پروانه احداث و بازسازی و پایان کار برای تمامی ساختمان ها و اماکن با کاربری عمومی از جمله مجتمع های مسکونی، تجاری، اداری، درمانی و آموزشی را به رعایت ضوابط و استانداردهای مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران و اصلاحات پس از آن در مورد دسترس پذیری افراد دارای معلولیت توسط مجری، مشروط کنند.

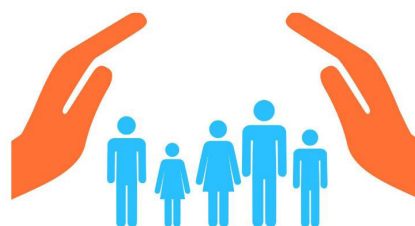
وزارتخانه های راه و شهرسازی و کشور و شهرداری ها مکلفند حسب مورد نسبت به مناسب سازی و دسترس پذیری کلیه پایانه ها، ایستگاه ها، تأسیسات سامانه ها و ناوگان حمل و نقل درون شهری و برون شهری، دسترس پذیری سامانه های حمل و نقل عمومی برای دسترسی منطبق با قوانین داخلی و استانداردهای بین المللی افراد دارای معلولیت اقدام کنند و امکان بهره مندی این افراد از ناوگان حمل و نقل زمینی، دریایی و هوایی را فراهم نمایند و کارکنان خود را جهت همیاری عملی و صحیح با مسافران دارای معلولیت، آموزش دهند و نیز شهرداری ها مکلفند جهت امکان تردد افراد دارای معلولیت شدید، سامانه های حمل و نقل ویژه افراد دارای معلولیت را با تجهیز ناوگان خودروهای مناسب سازی شده ایجاد نمایند. دولت مکلف است در تشکیل این سامانه ها به شهرداری های فاقد اعتبارات لازم، کمک نماید.

قابل ذکر است افراد دارای معلولیت از پرداخت هزینه های صدور پروانه ساختمانی، آماده سازی زمین، عوارض نوسازی و همچنین حق انشعابات آب، برق، گاز و دفع فاضلاب منطبق با الگوی مسکن مصوب معاف می باشند



سید بهادر بهادری
حقوقدان

قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی



قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی از تاریخ تصویب این قانون، کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی دادسراها و ضابطان قوه قضائیه مکلفند در انجام وظایف قانونی خویش موارد ذیل را به دقت رعایت و اجراء کنند. متخلفین به مجازات مندرج در قوانین موضوعه محکوم خواهند شد:

۱ - کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت می باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلاقی شخصی و سوء استفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود.

۲ - محکومیت ها باید بر طبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رای مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون) قطعی نگردیده اصل بر برائت متهم بوده و هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد.

۳ - محاکم و دادسراها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند.

۴ - با دادخواهان و اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرایم و مطلعان از وقایع و کلاً در اجرای وظایف محوله و برخورد با مردم، لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملاً مراعات گردد.

۵ - اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرر پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند.

۶ - در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب گردد.

۷ - بازجویان و مأموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلاً اقدام های خلاف قانون خودداری ورزند.

۸ - بازرسی ها و معاینات محلی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم بر اساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم

نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه ها و نوشته ها و عکس های فامیلی و فیلم های خانوادگی و ضبط بی مورد آن ها خودداری گردد.

۹ - هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای

اخذ شده بدینوسیله حجت شرعی و قانونی نخواهد داشت.

۱۰ - تحقیقات و بازجویی ها، باید مبتنی بر اصول و شیوه های علمی قانونی و آموزش های قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته و در اجرای وظایف خود به روش های خلاف آن متوسل شده اند، براساس قانون برخورد جدی صورت گیرد.

۱۱ - پرسش ها باید، مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیر موثر در پرونده مورد بررسی احتراز گردد.

۱۲ - پاسخ ها به همان کیفیت اظهار شده و بدون تغییر و تبدیل نوشته شود و برای اظهارکننده خوانده شود و افراد با سواد در صورت تمایل، خودشان مطالب خود را بنویسند تا شبهه تحریف یا القاء ایجاد نگردد.

۱۳ - محاکم و دادسراها بر بازداشتگاه های نیروهای ضابط یا دستگاه هایی که به موجب قوانین خاص وظایف آنان را انجام می دهند و نحوه رفتار مأموران و متصدیان مربوط با متهمان، نظارت جدی کنند و مجریان صحیح مقررات را مورد تقدیر و تشویق قرار دهند و با متخلفان برخورد قانونی شود.

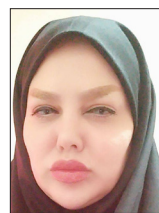
۱۴ - از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیای ضبطی و توقیفی متهمان، اجتناب نموده و در اولین فرصت ممکن یا ضمن صدور حکم یا قرار در محاکم و دادسراها نسبت به اموال و اشیاء تعیین تکلیف گردد و مادام که نسبت به آن ها اتخاذ تصمیم قضایی نگردیده است در حفظ و مراقبت از آن ها اهتمام لازم معمول گردیده و در هیچ موردی نباید از آن ها استفاده شخصی و اداری به عمل آید.

۱۵ - رئیس قوه قضائیه موظف است هیأتی را به منظور نظارت و حسن اجرای موارد فوق تعیین کند. کلیه دستگاه هایی که به نحوی در ارتباط با این موارد قرار دارند موظفند با این هیأت همکاری لازم را معمول دارند. آن هیأت وظیفه دارد در صورت مشاهده تخلف از قوانین، علاوه بر مساعی در اصلاح روش ها و انطباق آن ها با مقررات، با متخلفان نیز از طریق مراجع صالح برخورد جدی نموده و نتیجه اقدامات خود را به رئیس قوه قضائیه گزارش نماید.

تبلیغات سیگار ممنوع است

مکلف است علاوه بر مجازات دستور جمع آوری محصولات مورد تبلیغ را صادر نماید فروشندگان مکلفند فرآورده های دخانی را در بسته های مخصوص عرضه نمایند، عرضه و فروش بسته های باز شده فرآورده های دخانی ممنوع است متخلفین از موارد مذکور به جزای نقدی محکوم می شوند.

مصرف دخانیات در اماکن عمومی یا وسایل نقلیه عمومی ممنوع است و متخلف به جزای نقدی محکوم خواهد شد چنانچه مرتکب از کارکنان دولت باشد به هیأت رسیدگی به تخلفات اداری معرفی می گردد.



زهرا رستمی
کارآموز مرکز وکلای
قوه قضائیه

برابر قانون هر نوع تبلیغ، حمایت، تشویق مستقیم و غیرمستقیم و یا تحریک افراد به استعمال دخانیات اکیدا ممنوع است کلیه فرآورده های دخانی باید در بسته هایی با شماره سریال و برچسب ویژه شرکت دخانیات عرضه شوند. درج عبارت «مخصوص فروش در ایران» بر روی کلیه بسته بندی های فرآورده های دخانی وارداتی الزامی است و توزیع فرآورده های دخانی از سوی اشخاص فاقد پروانه فروش ممنوع است و فروش محصولات دخانی بصورت فله ای، باز و یا نخعی ممنوع است.

انجام هرگونه تبلیغات مواد دخانی، جرم بوده و دادگاه

در دادخواست تقدیمی به دیوان عدالت اداری، شاکی می‌تواند علاوه بر نشانی پستی، نشانی پست الکترونیکی یا شماره تلفن همراه یا نامبر خود را به‌منظور ابلاغ اوراق اعلام نماید. مطابق ماده ۱۰ قانون دیوان عدالت اداری، رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و سازمان تأمین اجتماعی و تشکیلات و نهادهای انقلابی و مؤسسات وابسته به آن‌ها و نیز تصمیمات و اقدامات مأموران واحدهای مذکور در بند «الف» در امور راجع به وظایف آن‌ها، در صلاحیت و حدود اختیارات دیوان عدالت اداری است.

ادامه در صفحه بعد



مصالحه سه‌پنجم:

لکه ننگی

در قانون اساسی آمریکا

ادامه از صفحه اول:

در ذهن این غربی‌های به‌اصطلاح متجدد، سرخپوست‌ها، نیمه‌حیوان و نیمه‌انسان بودند و در آمریکا قتل عامی غم‌انگیز از آن‌ها شد؛ چه به لحاظ اینکه می‌خواستند آمریکا را از شرق به غرب گسترش بدهند و چه به لحاظ بیماری‌هایی که اروپایی‌ها با خود به آمریکا آوردند و بومی‌ها در مقابل آن ایمنی نداشتند و عده زیادی جان باختند. این مسیر برخلاف روحیه‌ای بود که در متن اعلامیه استقلال نهفته بود. بسیاری که نقش تعیین‌کننده در انشای اعلامیه استقلال در ۱۷۷۶ داشتند و با افتخار در آن اعلام کرده بودند این اصلی بدیهی و مسلم است که انسان‌ها برابر آفریده‌شده‌اند، در کنوانسیون حاضر بودند و پذیرفتند سیاهان یک انسان کامل نگریده‌شده نباشند و فاقد حقوق در نظر گرفته شوند. سی‌وسه نفری که با امضای خود به قانون اساسی حیات اجتماعی اعطا کردند در توجیه این‌که چرا در قانون اساسی کشور بخشی را از حق طبیعی لیاقت انسان بودن به شکلی آگاهانه محروم کرده‌اند به واقع‌گرایی سیاسی پناه بردند. با توجه به این‌که ایالات جنوبی و جنوب‌شرقی کاملاً متکی به اقتصاد کشاورزی مبتنی بر نهاد برده‌داری بودند و با در نظر گرفتن این‌که رأی نمایندگان این ایالات در کنوانسیون برای تصویب قانون اساسی یک «باید» محسوب می‌شد، در تعارض آشکار و بنیادی با روحیه اعلامیه استقلال نژادپرستی و این‌که رنگ پوست تعیین‌کننده جوهره انسانی است در چارچوب اصول قانونی، نظم‌دهنده روابط انسانی و عملکرد ساختار سیاسی شد. واقع‌گرایی سیاسی سال ۱۷۸۹ منعکس در قانون اساسی آمریکا به تاریخ این کشور برای همیشه استعداد غلتیدن در منازعات اجتماعی اعطا کرد و جراحی دائمی بر بدنه اجتماع به‌جای گذاشت.

قانون الزام اختصاص شماره ملی و کد پستی برای کلیه اتباع ایرانی

ماده ۳- کارت یاد شده در ماده فوق بعنوان سند شناسایی اتباع ایرانی و مشمول کلیه احکام حقوقی و کیفری مربوط است و باید همیشه همراه صاحب آن باشد. تبصره - دارنده کارت در صورت تغییر محل سکونت یا کار خود، باید مراتب را در اولین فرصت ممکن به سازمان ثبت احوال کشور اطلاع دهد.

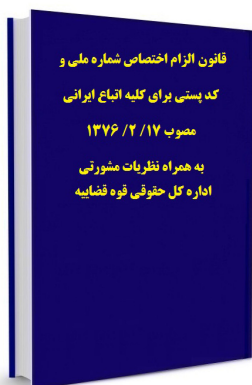
ماده ۴- صدور هر گونه کارت شناسایی اداری یا صنفی یا گواهینامه رانندگی و مشابه آنها، بدون درج شماره ملی و کد

پستی ممنوع است.

تبصره - کارت‌های شناسایی اداری، صنفی یا گواهینامه رانندگی و مشابه آن‌ها که قبل از تصویب و اجرای این قانون صادر شده‌اند تا زمانی که شرایط برای تعویض آن‌ها به شکل جدید فراهم نگردیده معتبر خواهند بود.

ماده ۵- دولت موظف است هزینه‌های اجرای طرح شماره ملی و کد پستی را در بودجه دستگاه‌های اجرایی مربوط پیش‌بینی نماید.

ماده ۶- آئین نامه اجرائی این قانون توسط وزارتخانه‌های کشور و پست و تلگراف و تلفن ظرف مدت ۲ ماه تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. قانون فوق مشتمل بر شش ماده و دو تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ هفدهم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۴/ ۱۳۷۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.



قانون الزام اختصاص شماره ملی و کد پستی برای کلیه اتباع ایرانی مشتمل بر ۶ ماده و ۲ تبصره است. قانون الزام اختصاص شماره ملی و کد پستی برای کلیه اتباع ایرانی، مشتمل بر ۶ ماده و ۲ تبصره در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۷۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در تاریخ ۲۴ اردیبهشت ۱۳۷۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

طبق این قانون، وزارتخانه‌های کشور و پست و تلگراف و تلفن موظف شدند با رعایت قوانین و مقررات، برای کلیه اتباع ایرانی اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی، شماره ملی و کد پستی اختصاص دهند.

ماده ۱- وزارتخانه‌های کشور و پست و تلگراف و تلفن موظفند با رعایت قوانین و مقررات، برای کلیه اتباع ایرانی شماره ملی و کد پستی اختصاص دهند.

ماده ۲- کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی، وزارتخانه‌ها، سازمانها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت، دانشگاهها، بانکها، شهرداریها، نهادهای انقلاب اسلامی و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و شرکت‌ها و مؤسساتی که مشمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام است موظفند از شماره ملی و کد پستی ده رقمی که توسط سازمان ثبت احوال کشور و در قالب کارت شناسایی و با همکاری شرکت پست جمهوری اسلامی ایران برای شناسایی افراد و اشخاص و محل کار یا سکونت آن‌ها حسب مورد اختصاص خواهد یافت تبعیت نموده و بکار گیرند.

تکلیف زوج به پرداخت مهریه و نحله

با وجود مهریه سنگین، محکومیت زوج به پرداخت نحله بر خلاف عدل و انصاف نیست و قابلیت پرداخت وجود دارد. این استدلال که با وجود مهریه سنگین، محکومیت زوج به پرداخت نحله بر خلاف عدل و انصاف است، پذیرفته نیست؛ زیرا نحله امر مقرر قانونی است و هیچ ارتباطی به مهریه که با قبول و پذیرش شخص زوج بر ذمه او استقرار یافته است، ندارد.

حسب محتویات پرونده محاکماتی آقای ح. ن. در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۲۱ به طرفیت همسرش خانم ز. ق. دادخواستی به خواسته صدور گواهی عدم امکان سازش به دادگاه‌های خانواده تهران تقدیم و توضیح داده است که بموجب سند ازدواج که تصویر آن پیوست دادخواست گردیده در تاریخ ۱۳۸۱/۱۲/۱۱ با خوانده ازدواج نموده و در حال حاضر قادر به ادامه زندگی مشترک نمی‌باشد لذا صدور گواهی عدم امکان سازش جهت اجرای صیغه طلاق مورد استدعاست. پرونده به شعبه ۲۵۴ دادگاه خانواده تهران ارجاع گردیده است در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۴ خواهان اضافه کرده است که مهریه ۵۶۰ سکه می‌باشد رای صادر شده ودر شعبه ۲۵۶ تقسیط شده است حاضرم حق و حقوق زوج را طبق قانون بپردازم خوانده گفته است با طلاق موافق نیست، اما اگر زوج اصرار به طلاق دارد حق و حقوق خود را از جمله مهریه، اجرت المثل، نفقه

جهت رسیدگی باین شعبه ارجاع گردیده است. هیأت شعبه در تاریخ بالا تشکیل گردید. پس از قرائت گزارش آقای جعفر قدیانی عضو ممیز و اوراق پرونده درخصوص دادنامه شماره ۱۳۹۳/۹/۲۳-۱۵۵۲ فرجام خواسته مشاوره نموده چنین رأی می‌دهد:

رأی شعبه دیوان عالی کشور

دادنامه شماره ۱۳۹۳/۹/۲۳-۱۵۵۲ صادره از شعبه سی ام دادگاه تجدیدنظر استان تهران به شرح زیر واجد اشکال می‌باشد:

۱- زوج هیچگونه دلیلی بر سوء رفتار و سوء معاشرت زوج ارائه نموده است.

۲- نحله امر مقرر قانونی است و هیچ ارتباطی به مهریه که با قبول و پذیرش شخص زوج بر ذمه او استقرار یافته است ندارد.

بنا به جهات مذکور باستناد ماده ۳۷۱ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی دادنامه فرجام خواسته نقض و رسیدگی مجدد به دادگاه هم عرض دادگاه صادر کننده ارجاع می‌گردد، اما اعتراض فرجام خواه به دادنامه در خصوص عدم تعیین اجرت المثل با عنایت به اظهار صریح وی مبنی بر عدم قصد اجرت مردود اعلام می‌گردد.

ایام عده و جهیزیه را می‌خواهد نسبت به نصف دارائی ادعائی ندارد، اما اجرت المثل را می‌خواهد. داوران طرفین توفیقی در اصلاح ذات البین حاصل ننموده اند زوجه نیز در صورتجلسه دآوری موافقت با طلاق نموده است دادگاه ختم رسیدگی را اعلام و حسب مفاد دادنامه شماره ۱۳۹۳/۵/۲۷-۸۵۴ ضمن صدور گواهی عدم امکان سازش زوج را موظف نموده است مهریه و نفقه موقوفه زوجه را طبق دادنامه‌های صادره پرداخت نماید و در خصوص اجرت المثل با عنایت به عدم قصد اجرت از ناحیه زوجه به استناد بند ب تبصره ۶ ماده واحده اصلاح مقررات مربوط به طلاق زوج را محکوم به پرداخت ۶/۰۰۰/۰۰۰ تومان بعنوان نحله نموده است نیز نفقه ایام عده طبق توافق طرفین در جلسه دادگاه ۷۵۰/۰۰۰ تومان تعیین گردیده است زوجین فرزند مشترک ندارند. زوج نسبت به محکومیت خود به پرداخت نحله به این دادنامه اعتراض نموده است که شعبه سی ام دادگاه تجدیدنظر استان تهران با این استدلال که درخواست طلاق ناشی از سوء رفتار زوجه بوده و با وجود مهریه سنگین محکومیت زوج به پرداخت نحله بر خلاف عدل و انصاف است با نقض دادنامه بدوی در قسمت نحله و کان لم یکن تلقی نمودن آن در سایر موارد دادنامه را تأیید نموده است سپس با فرجام خواهی زوجه نسبت به این دادنامه پرونده به دیوانعالی کشور ارسال و پس از ثبت در دفتر

این در حالی است که مطابق ماده ۱۸ قانون مذکور، دادخواست تقدیمی باید حاوی نکات زیر باشد: الف - مشخصات شاکی: ۱- نام و نام خانوادگی، نام پدر، تاریخ تولد، کد ملی، شغل، تابعیت و اقامتگاه برای اشخاص حقیقی ۲- نام، شماره ثبت، اقامتگاه اصلی و شماره تلفن تماس برای اشخاص حقوقی ب - مشخصات طرف شکایت: ۱- نام و نام خانوادگی، سمت و نشانی دقیق محل کار مأمور دولت در صورت امکان ۲- نام کامل دستگاه‌های موضوع ماده (۱۰) این قانون پ - نام و نام خانوادگی و اقامتگاه وکیل یا قائم مقام و یا نماینده قانونی شاکی، در صورت تقدیم دادخواست توسط آنان ت - موضوع شکایت و خواسته

رأی حقوقی

سه‌شنبه ۱۴ آذر ماه ۱۴۰۲ • سال دوم • شماره ۴۱

تقاضای خسارت تأخیر تأدیه پرداخت چک پس از مدت طولانی و مرور زمان وصف تجاری چک

رأی دادگاه تجدیدنظر استان

بابت تجدیدنظرخواهی آقای ف. ر. با وکالت س. م. از دادنامه شماره ۹۷۰ - ۹۱/۱۰/۱۲ صادره از شعبه ۵ دادگاه عمومی تهران از جهت صدور حکم بر بطلان دعوی مطالبه خسارت تأخیر تأدیه ناظر به ۲ فقره چک به شماره‌های ۷۲۶۰۴۹ و ۹۸۷۷۱۱ موضوع دعوی تجدیدنظرخواه علیه تجدیدنظرخوانده که منتهی به محکومیت تجدیدنظرخوانده به پرداخت اصل وجه چک‌ها و فروغ دعوی شده و دعوی مطالبه خسارت تأخیر تأدیه چک‌های مزبور منتهی به صدور حکم بطلان آن گردیده است با لحاظ محتویات پرونده و لایحه آقای وکیل تجدیدنظرخواه امری که نقض دادنامه را از جهت فوق ایجاب نماید به نظر نرسیده و دادنامه صادره از این جهت و با لحاظ استدلال مندرج در آن به نحو صحیح صادرگردیده و بلااشکال است و تجدیدنظرخواهی با بندهای ماده ۳۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی تطبیق ندارد، لذا با رد آن دادنامه بدوی را از جهتی که فوقاً اعتراض شده است وفق ذیل ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی تأیید می‌نماید. این رأی قطعی است.

شدن چک‌ها متوجه وجود این دو فقره چک گردیده است و اقدام خواهان به برگشت آن‌ها قریب به ۱۰ سال پس از تاریخ صدور مشمول قاعده اقدام بوده و موجبی برای مطالبه خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ سررسید چک در سال ۱۳۸۰ تا تاریخ برگشت آن در سال ۱۳۹۰ وجود ندارد، مضافاً آنکه بر فرض پذیرش مرور زمان چک به عنوان سند تجاری قابل استناد نبوده بلکه به عنوان سند عادی قابلیت استناد دارد بنا به مراتب دعوی خواهان ناظر به اصل خواسته و هزینه دادرسی مقرون به واقع تشخیص و با استناد به مواد ۱۹۸، ۵۰۲، ۵۱۲، ۵۱۵ و ۵۱۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و مواد ۳۱۰ و ۳۱۳ قانون تجارت و مقررات ماده ۳۱۸ قانون مذکور ضمن صدور حکم به بطلان دعوی مطالبه خسارت تأخیر تأدیه، رأی بر محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ یکصد و هجده میلیون و ششصد هزار ریال بابت اصل خواسته و پرداخت مبلغ شش میلیون و چهار صد و سی و هفت هزار و چهار صد ریال بابت هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل در حق خواهان صادر می‌نماید. رأی صادره حضوری و ظرف بیست روز از ابلاغ قابل تجدیدنظر نزد دادگاه تجدیدنظر استان تهران است.

در صورتیکه دارنده چک، مدت زمان طولانی پس از تاریخ چک مبادرت به ارائه چک به بانک و اخذ گواهی عدم پرداخت نماید، با توجه به تحقق مرور زمان و سلب وصف تجاری از آن و نیز قاعده اقدام، مطالبه خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ سر رسید چک قابل قبول نیست.

رأی دادگاه بدوی

در خصوص دعوی آقای س. م. به وکالت از آقای ف. ر. فرزند ن. به طرفیت آقای ح. ق. فرزند ن. با وکالت آقای ح. ق. به خواسته مطالبه مبلغ ۱۱۸/۶۰۰/۰۰۰ ریال وجه دو فقره چک به شماره... به مبلغ ۶۳/۶۰۰/۰۰۰ ریال و ۹۸۷۷۱۱ - ۸۱/۲/۲۰ به مبلغ ۵۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال عهده جاری شماره ... بانک تجارت شعبه... با احساب خسارات دادرسی به شرح متن دادخواست تسلیمی با عنایت به اینکه وجود مستندات دعوی در ید خواهان ظهور در اشتغال ذمه خوانده دارد و نظر به اینکه دعوی مطروح و مستندات آن ناظر به اصل خواسته و هزینه دادرسی مصون از تعرض مؤثر خوانده باقیمانده است و با توجه به اینکه وکیل خوانده بیان نموده که موکلش پس از برگشت

قانون تنظیم بازار غیر متشکل پولی

ماه درخواست را رسیدگی و نتیجه را به متقاضی اعلام نماید. در صورت عدم صدور مجوز، بانک یاد شده ایرادها و نواقص پرونده را برای اصلاح و رفع آن باید به متقاضی اطلاع دهد.

تبصره ۳ - آئین‌نامه ناظر بر تاسیس، فعالیت و نظارت بر اشخاص حقیقی یا حقوقی همچنین مسئولیت مدیران و سهامداران عمده، انحلال و تصفیه و نحوه لغو مجوزهای تاسیس آن‌ها بر اساس قوانین پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸ و عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲/۶/۸ با تأیید شورای پول و اعتبار به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

تبصره ۴ - اشخاص حقیقی یا حقوقی موضوع این ماده که به عملیات بانکی اشتغال دارند در صورتی که موفق به اخذ مجوز فعالیت تحت عنوان موجود یا عنوان مناسب دیگر ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون نشوند بنا به اعلام بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران حق ادامه فعالیت نخواهند داشت. متخلفین از اجرای این حکم در صورت شکایت بانک یاد شده از طریق مقامات قضایی صلاحیتدار به مجازات حبس تا شش ماه محکوم خواهند شد.

الف (الحاقی ۱۳۹۵/۱۱/۱۰) - تأسیس، ثبت، فعالیت و انحلال نهادهای پولی و اعتباری از قبیل بانکها، موسسات اعتباری غیربانکی، تعاونی‌های اعتبار، صندوق‌های قرض الحسنه، صرافی‌ها و شرکت‌های واسپاری (لیزینگ‌ها) و همچنین ثبت تغییرات نهادهای مذکور فقط با اخذ مجوز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و به موجب مقررات مصوب شورای پول و اعتبار امکان پذیر است.

ب (الحاقی ۱۳۹۵/۱۱/۱۰) - ایجاد نهادهای جدید در بازار غیرمتشکل پولی بدون مجوز بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ممنوع بوده و تصدی پست‌های مدیریتی آن‌ها در حکم تصرف غیرقانونی در اموال عمومی تلقی می‌شود.

ماده ۲ - نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های پولی و اعتباری،

قانون تنظیم بازار غیر متشکل پولی مشتمل بر پنج ماده و شش تبصره در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ بیست و دوم دی ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۳/۱۰/۳۰ به تأیید شورای نگهبان رسید.

قانون تنظیم بازار غیر متشکل پولی

ماده ۱ - اشتغال به عملیات بانکی توسط اشخاص حقیقی و یا حقوقی تحت هر عنوان و تاسیس و ثبت هرگونه تشکل برای انجام عملیات بانکی، بدون دریافت مجوز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ممنوع است. عملیات بانکی در این قانون به امر واسطه‌گری بین عرضه‌کنندگان و متقاضیان وجوه و اعتبار به صورت دریافت انواع وجوه، سپرده، ودیعه و موارد مشابه تحت هر عنوان و اعطاء وام، اعتبار و سایر تسهیلات و صدور کارت‌های الکترونیکی پرداخت و کارت‌های اعتباری اطلاق می‌شود.

تبصره ۱ - بانک‌ها و صندوق‌هایی که قبلاً به موجب قوانین خاص تأسیس شده‌اند براساس مفاد همان قوانین ادامه فعالیت خواهند داد.

تبصره ۲ - اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که بدون دریافت مجوز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به عملیات بانکی مبادرت دارند موظفند ظرف یک ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون برای اخذ مجوز به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مراجعه و مدارک مورد نیاز را ارائه نمایند. در غیر این صورت بنا به درخواست بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ادامه فعالیت این قبیل اشخاص توسط نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران متوقف خواهد شد. در صورت اعتراض، متقاضی می‌تواند به مراجع ذیصلاح قضایی مراجعه نماید. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نیز موظف است ظرف سه

مصوبات شورای پول و اعتبار و دستورات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به عهده بانک یادشده است. مؤسسات و اشخاص فعال در این زمینه مکلفند اطلاعات لازم را در اختیار بازرسان بانک یادشده قرار دهند.

تبصره ۱ - در صورت ارائه گزارش و احراز تخلف توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، این بانک می‌تواند نسبت به تعلیق مجوز مؤسسات متخلف اقدام نماید. در این موارد، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مکلف به جلوگیری از ادامه فعالیت متخلفین و همکاری لازم با بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. در صورت اعتراض، متقاضی می‌تواند به مراجع ذیصلاح قضایی مراجعه نماید.

تبصره ۲ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران پس از اعمال نظارت بر مؤسسات موضوع این قانون نسبت به ساماندهی آنان در چارچوب مقررات موجود و شرایط ذیل اقدام نماید:

الف - برای مؤسساتی که شرایط ارتقاء به سایر مؤسسات مالی، اعتباری غیربانکی یا بانکی را دارا باشند مجوز لازم توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران صادر می‌شود.

ب - کلیه گزارش‌ها و اطلاعات به دست آمده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران کاملاً محرمانه تلقی می‌شود.

ج - آئین‌نامه این تبصره توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تهیه و پس از تأیید شورای پول و اعتبار به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

ماده ۳ - به‌منظور امکان نظارت کامل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر بازار متشکل و غیرمتشکل پولی و تفکیک بازار پول و سرمایه، ریاست شورای بورس به عهده وزیر امور اقتصادی و دارایی می‌باشد.

ماده ۴ - آیین‌نامه اجرایی این قانون بنا به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و با هماهنگی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ظرف دو ماه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۵ - کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون ملغی‌الاثرب می‌گردد.

قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت

قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت چهارده بر سیزده ماده و هفت تبصره است.

قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت مشتمل بر چهارده ماده و هفت تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ سیام شهریور ماه یک هزار و سیصد و هفتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۶/۷/۲ به تایید شورای نگهبان رسیده است.

قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت

ماده ۱ - به منظور مشارکت عموم در اجرای طرح‌های عمرانی انتفاعی دولت مندرج در قوانین بودجه سالانه کل کشور و طرح‌های سودآور تولیدی و ساختمانی و خدماتی، به دولت و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و مؤسسات عام‌المنفعه و شرکت‌های وابسته به دستگاه‌های مذکور و همچنین شرکت‌های سهامی عام و خاص و شرکت‌های تعاونی تولیدی اجازه داده می‌شود طبق مقررات این قانون قسمتی از منابع مالی مورد نیاز برای اجرای طرح‌های مذکور شامل منابع مالی لازم برای تهیه مواد اولیه مورد نیاز واحدهای تولیدی را از طریق انتشار و عرضه عمومی اوراق مشارکت تامین نمایند.

تبصره - تشخیص انتفاعی بودن طرح‌های عمرانی دولت موضوع این ماده با رعایت تعریف قانونی «طرح انتفاعی» به عهده هیئتی مرکب از نمایندگان وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. این قبیل طرح‌ها در پیوست طرح‌های عمرانی لوایح بودجه سالانه کل کشور با علامت مشخص درج خواهد شد.

ماده ۲ - اوراق مشارکت، اوراق بهادار با نام یا بی‌نامی است که به موجب این قانون به قیمت اسمی مشخص برای مدت معین منتشر می‌شود و به سرمایه‌گذاری که قصد مشارکت در اجرای طرح‌های موضوع ماده (۱) را دارند واگذار می‌گردد. دارندگان این اوراق به نسبت قیمت اسمی و مدت زمان مشارکت، در سود حاصل از اجرای طرح مربوط شریک خواهند بود. خرید و فروش این اوراق مستقیماً و یا از طریق بورس اوراق بهادار مجاز می‌باشد.

ماده ۳ - انتشار اوراق مشارکت از طرف دولت صرفاً برای تامین منابع مالی مورد نیاز جهت اجرای طرح‌های عمرانی انتفاعی دولت موضوع ماده (۱) به میزانی که در قوانین بودجه سالانه کل کشور پیش‌بینی می‌شود مجاز خواهد بود. تضمین بازپرداخت اصل و سود علی‌الحساب و سود تحقق یافته این قبیل اوراق توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی از محل اعتبارات ردیف‌های خاصی که توسط سازمان برنامه و بودجه به‌همین منظور در قوانین بودجه سالانه کل کشور پیش‌بینی می‌شود به‌عمل خواهد آمد.

تبصره - انتشار اوراق مشارکت به منظور تأمین منابع مالی لازم برای اجرای طرح‌های عمرانی انتفاعی دولت مندرج در قوانین بودجه سالانه کل کشور که مجری آن‌ها شرکت‌های دولتی و یا شهرداری‌ها می‌باشند نیز مشمول حکم این ماده می‌باشد.

ماده ۴ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران طرح‌های مشمول این قانون به استثناء طرح عمرانی انتفاعی دولت موضوع ماده (۳) را که توسط شرکت‌های دولتی، شهرداری‌ها و مؤسسات و شرکت‌های غیردولتی موضوع ماده (۱) ارائه می‌شود بررسی نموده و در صورتی که دارای توجیهات کامل اقتصادی، فنی و مالی باشد، پس از ارائه تضمین کافی توسط موسسه و یا شرکت متقاضی به بانک عامل، مجوز انتشار اوراق مشارکت به میزان لازم صادر خواهد کرد.



تبصره ۱ - درخواست انتشار اوراق مشارکت توسط شرکت‌های دولتی قبل از ارائه به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران باید به تصویب مجمع عمومی و یا شورای عالی شرکت‌های مربوط رسیده باشد.

تبصره ۲ - حداکثر میزان (سقف) اوراق مشارکت قابل انتشار برای طرح‌های موضوع این ماده در هر سال با توجه به سیاست‌های پولی و مالی کشور توسط شورای پول و اعتبار تعیین و اعلام می‌گردد.

تبصره ۳ - میزان (سقف) اوراق مشارکت قابل انتشار برای طرح‌های موضوع این ماده در مورد هریک از متقاضیان می‌بایستی متناسب با خالص دارایی‌های وی (مجموع دارایی‌ها منهای مجموع بدهی‌ها) باشد.

ماده ۵ - شرکت‌های دولتی، شهرداری‌ها و مؤسسات و شرکت‌های غیردولتی موضوع ماده (۱)، در صورت انتشار اوراق مشارکت مکلفاند بازپرداخت اصل و سود متعلق را در سررسیدهای مقرر در اوراق مذکور، تعهد و تضمین نمایند. در صورت عدم ایفای تعهدات مزبور در سررسیدهای مقرر، بانک عامل مکلف است از محل تضمین مذکور در ماده (۴) رأساً اقدام نماید.

تبصره - پرداخت سود علی‌الحساب به ترتیبی که در اوراق مشارکت قید می‌شود مجاز می‌باشد.

ماده ۶ - شرکت‌های سهامی عام می‌توانند طبق این قانون اوراق مشارکت قابل تبدیل یا تعویض با سهام منتشر کنند. شرایط و نحوه تبدیل و تعویض این قبیل اوراق طبق آیین‌نامه اجرایی این قانون خواهد بود.

ماده ۷ (منسوخه ۱۳۰، ۱۳۹۶) - مبالغ پرداختی و یا تخصیصی بابت سود متعلق به اوراق مشارکت مشمول مالیات مقطوع به نرخ پنج درصد (۵٪) می‌باشد و به سود اوراق مشارکت و معاملات اوراق مذکور هیچگونه مالیات دیگری تعلق نمی‌گیرد. پرداخت کنندگان سود اوراق مشارکت اعم از علی‌الحساب و قطعی مکلفند در هر پرداخت یا تخصیص، مالیات متعلق را به نرخ مذکور کسر و ظرف مدت ده روز از تاریخ پرداخت یا تخصیص به حسابی که توسط خزانه‌داریکل تعیین می‌شود واریز و رسید آن را ظرف سی روز از تاریخ واریز همراه با فهرستی متضمن میزان سود پرداختی به حوزه مالیاتی مربوط تسلیم نمایند.

پرداخت کنندگان سود اوراق مشارکت و در صورت تخلف از انجام تکالیف مذکور مشمول مقررات متن ماده ۱۹۹ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفندماه ۱۳۶۴ خواهند بود.

تبصره - پرداخت مالیات سود پرداختی و یا تخصیصی به اوراق مشارکتی که قبل از تاریخ اجرای این قانون منتشر شده است با نرخ مقرر در این ماده برعهده دستگاه‌های منتشر کننده اوراق مذکور می‌باشد.

ماده ۸ - در صورتی که شرکت‌های سهامی خاص وابسته به دستگاه‌های مذکور در ماده (۱) این قانون به سهامی عام تبدیل شوند، دارندگان اوراق مشارکت شرکت‌های مزبور در خرید سهام از اولویت برخوردار می‌باشند.

ماده ۹ - سود پرداختی به دارندگان اوراق مشارکت جزو هزینه‌های قابل قبول در حساب مالیاتی موضوع ماده (۱۴۸) قانون مالیات‌های مستقیم محسوب می‌گردد.

ماده ۱۰ - مصرف وجوه حاصل از واگذاری اوراق مشارکت در غیر اجرای طرح‌های مربوط، در حکم تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال عمومی محسوب خواهد شد.

ماده ۱۱ - مقررات مواد (۲) و (۵) و (۷) و (۸) و (۹) و (۱۰) و (۱۲) این قانون و تبصره‌های ذیل مواد مذکور شامل اوراق مشارکتی که تا قبل از اجرای آن منتشر شده‌اند نیز می‌گردد.

ماده ۱۲ (اصلاحی ۱۲، ۱۳۷۹) - کلیه صندوق‌های بازنشستگی و عناوین مشابه از جمله صندوق بازنشستگی مشمولین قانون استخدام نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و سازمان تأمین اجتماعی و کلیه وزارتخانه‌ها، موسسات دولتی و شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت از جمله شرکت‌ها و موسساتی که شمول قوانین ومقررات عمومی در مورد آن‌ها مستلزم ذکر نام است و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به شهرداری‌ها، حسب مورد مجازند درصدی از وجوهی را که به هر عنوان برای بازنشستگی یا پس انداز دریافت و یا در حساب‌های مربوط وارد و ثبت می‌نمایند به اوراق مشارکت منتشره از سوی دولت تبدیل کنند. همچنین کلیه شرکت‌های تعاونی و بخش خصوصی مجازند درصدی از سپرده‌ها و ذخایر قانونی خود را که توسط هیأت وزیران تعیین می‌شود به اوراق مزبور تبدیل نمایند.

تبصره ۱ (الحاقی ۱۲، ۱۳۷۹) - وجوه موضوع قانون تشکیل حساب پس انداز کارکنان دولت - مصوب ۱۳۷۶/۱۱/۲۶ - از شمول حکم این ماده مستثنی می‌باشد.

ماده ۱۳ (اصلاحی ۱۲، ۱۳۷۹) - آیین‌نامه اجرایی این قانون متضمن مشخصات طرح‌های سودآوری تولیدی، ساختمانی و خدماتی، شرایط و میزان و نحوه انتشار وعرضه اوراق مشارکت و چگونگی تبدیل و تعویض اوراق مذکور با سهام شرکت‌های سهامی عام و همچنین نحوه اعمال نظارت بر اجرای صحیح این قانون با پیشنهاد مشترک وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سازمان بورس اوراق بهادار ظرف مدت شش ماه به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

ماده ۱۴ (الحاقی ۱۲، ۱۳۷۹) - وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلفند گزارش متضمن میزان و انواع اوراق مشارکت منتشره طی هر سال را همراه با اظهارنظر در خصوص آثار اقتصادی انتشار اوراق مذکور برای اطلاع کمیسیون‌های برنامه و بودجه، امور اقتصادی و دارایی و تعاون و دیوان محاسبات و بودجه مجلس شورای اسلامی ارسال نمایند.

ماده واحده - به موجب این قانون کلیه حقوق و امتیازات پیش بینی شده برای بانکها در تبصره‌های ذیل بند (الف) ماده (۱) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین - مصوب ۱۳۷۳ - و ماده (۱۵) اصلاحی قانون عملیات بانکی بدون ربا - مصوب ۱۳۶۵ - در حدود مقررات ناظر بر فعالیت موسسات اعتباری غیربانکی مجاز و موضوع فعالیت آن‌ها به این قبیل مؤسسات نیز تسری داده می‌شود.

دانستنی‌های حقوقی

یادداشت حقوقی

مسئولیت پرداخت وجه چک بلامحل شرکت با چه کسی است؟

درباره چکهای صادره از سوی شرکتها و موسسات و اشخاص حقوقی طبق ماده ۱۹ قانون صدور چک در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از: شخص حقیقی یا حقوقی (مانند شرکتها) صادر شده باشد، صادر کننده چک و صاحب امضاء متضامنا مسئول پرداخت وجه چک هستند و اجرائیه و حکم ضرر و زیان بر اساس مسئولیت تضامنی علیه هر دو نفر صادر میشود.



دکتر امیر مهدی
صالحی مقدم
مدرس دانشگاه

یعنی بر اساس قانون برای مطالبه وجه چک هم میتوانید به اموال خود شرکت رجوع کنید و هم میتوانید از مدیری که زیر چک را امضاء کرده است مطالبه وجه کنید.

از لحاظ کیفری نیز مسئولیت صدور چک بلامحل با امضاء کننده چک است مگر اینکه ثابت کند عدم پرداخت، مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی اوست که در اینصورت کسی که موجب عدم پرداخت شده از نظر کیفری مسئول خواهد بود.

یادداشت حقوقی

وکالت بلاعزل در طلاق

زوجه برای جدا شدن از همسرش یا باید برای طلاق توافقی با او به سازش برسد، یا اینکه دلیل منطقی مانند عسر و حرج، حبس بیش از ۵ سال، غیبت طولانی مدت زوج و... را به دادگاه ارائه کند. در حقیقت بدون داشتن حق طلاق یا وکالت در طلاق جدایی برای زوجه دشوار خواهد بود



فاطمه منصوری نسب

طلاق آخرین راه حل برای حل مشکلات زندگی مشترک است. لطفا قبل از اینکه به صورت جدی به طلاق فکر کنید با مشاور خانواده مشورت نمایید هر فردی می‌تواند فرد دیگری را به عنوان وکیل انتخاب کند. به موجب حق وکالتی که برای طرف مقابل ایجاد شده است، کسی که وکالت در طلاق را دارد می‌تواند به عنوان نماینده قانونی زوج مراحل طلاق را انجام داده و برای جدایی اقدام کند.

در صورتی که زوجه بخواهد برای طلاق با داشتن حق طلاق اقدام کند، لازم است که وکالت طلاق از نوع بلاعزل باشد. در غیر این صورت مرد می‌تواند با وکالت دادن به شخص ثالث یا مراجعه به بندهای عقدنامه و... این حق را باطل کند و همچنان حق طلاق برای زوج محفوظ بماند.

وکالت بلاعزل در طلاق چیست؟

وکالت بلاعزل در طلاق در عرف به معنی حق طلاق شناخته می‌شود. با ارائه وکالت طلاق به عنوان شروط ضمن عقد و ثبت آن در دفتر اسناد رسمی زوجه نیز مانند همسرش دارای حق طلاق خواهد بود؛ بنابراین زن می‌تواند در هر زمانی با داشتن این وکالت‌نامه به دادگاه مراجعه کرده و پس از طی کردن مراحل قانونی طلاق بگیرد.

تشریفات مطالبه وجه سفته تضمینی

تاخیر تادیه را از محکوم له اخذ به صندوق مربوطه واریز سپس به همین میزان از محکوم علیه اخذ به صندوق مربوطه واریز شود و درخصوص خواسته خواهان مازاد بر مبلغ ۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال نظر به اینکه خواهان حسب لایحه شماره ۵۰۰۷۳ - ۹۴/۲/۲ این قسمت از خواسته را مسترد نموده مستنداً به بند ب ماده ۱۰۷ قانون اخیر الذکر قرار رد دعوی خواهان نسبت به مبلغ ۵۰۰،۰۰۰ ریال صادر و اعلام می‌گردد رای صادره محکومیت حضوری بوده و از جهت محکومیت و هم از جهت قرار رد طرف مهلت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد.

رای دادگاه تجدیدنظر استان

درخصوص تجدیدنظرخواهی داود اسماعیلی بطرفیت الف. دلایلی نسبت به دادنامه شماره ۹۳۰۷۹ موضوع پرونده کلاسه بایگانی ۹۳۰۸۵ شعبه ۵ محاکم عمومی شهریار که بموجب آن حکم به پرداخت وجوه سه فقره سفته به شماره‌های ۰۸۱۰۰۰، ۲۴۰۷۳۹ و ۰۸۰۹۹۹ جمعاً به مبلغ پنجاه میلیون ریال به شرح دادنامه معترض عنه صادر گردیده است از این جهت وارد و موثر است وفق مستندات ارائه شده ج ۲ ص ۱۱ سفته‌های مذکور بابت تضمین قرارداد عادی شماره ۰۰۴۵ - ۱/۳/۹۲ بوده فلذا و بدون تعیین تکلیف قرارداد مذکور مطالبه وجوه سفته‌ها فاقد وجاهت قانونی بوده در نتیجه ضمن نقض رای معترض عنه باستناد ماده ۳۵۸ قانون آئین دادرسی مدنی درخصوص دعوای بدوی باستناد ماده ۲ قانون مذکور قرار رد دعوا صادر و اعلام می‌گردد. رای صادره قطعی

در صورتیکه جهت تضمین انجام مفاد قرارداد، چند فقره سفته صادر شود، مطالبه وجه سفته‌ها پیش از تعیین تکلیف قرارداد مذکور، قانونی نیست. در صورتیکه جهت تضمین انجام مفاد قرارداد، چند فقره سفته صادر شود، مطالبه وجه سفته‌ها پیش از تعیین تکلیف قرارداد مذکور، فاقد وجاهت قانونی است.

رای دادگاه بدوی

درخصوص دعوی آقای الف. د. ف. به طرفیت آقای د. اسماعیلی به خواسته مطالبه مبلغ ۵۷۵۰۰،۰۰ ریال با احتساب هزینه دادرسی و خسارت تاخیر تادیه خواهان اظهار می‌دارد که به موجب سفته‌های پیوستی مبلغ ۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال از خواننده طلب دارد و مبلغ ۷۵۰۰۰۰۰ ریال نیز به خواننده داده که گواه دارد خواننده در مقام دفاع اظهار داشت که در مجموع به خواهان مبلغ ۳۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال بدهکار است، نظر به مستند دعوی که ۳ فقره سفته به شماره‌های ۰۸۰۹۹۹ (سری / ب ۱) و ۰۸۱۰۰۰ (سری / ب ۱) و ۲۴۰۷۳۹ (سری / ج ۱) باشد که وجود سفته‌ها در ید خواهان حکایت از اشتغال ذمه خواننده دارد و خواننده دعوی نیز دلیلی جهت براءت ذمه خود ارائه ننموده دادگاه دعوی خواهان را وارد دانسته و حکم به محکومیت خواننده به پرداخت مبلغ ۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال بابت اصل خواسته و مبلغ ۱۵۰۰،۰۰۰ ریال بابت هزینه دادرسی و خسارت تاخیر تادیه از زمان سررسید لغایت زمان اجرای حکم بر اساس شاخص تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در حق خواهان صادر و اعلام می‌گردد که اجرای احکام مکلف است هزینه دادرسی خسارت

شرط اخذ جریمه برای تخلفات ساختمانی



صدور رای به اخذ جریمه و ابقای تخلف در تخلفات ساختمانی، استثنا بر اصل می‌باشد. صدور رای به اخذ جریمه و ابقای تخلف در تخلفات ساختمانی، استثناء بر اصل می‌باشد و کمیسیون ماده صد قانون شهرداری در صورتی مجاز به تعیین جریمه است که موجبات دیگری برای صدور رای به تغییر، اصلاح یا تخریب وجود نداشته باشد.

رای شعبه تجدیدنظر دیوان عدالت اداری

با توجه به محتویات پرونده، نظر به اینکه رای مورد اعتراض در

امتیازات بکارگیری معلولین در بخش خصوصی

با توجه به شدت معلولیت (خفیف سی درصد (۳۰٪، متوسط چهل درصد (۴۰٪ و شدید پنجاه درصد (۵۰٪) که توسط سازمان برنامه و بودجه کشور در ذیل ردیف اعتباری سازمان در قوانین بودجه سنواتی تأمین می‌شود کمک‌هزینه ارتقای کارایی معلولان برای هر فرد دارای معلولیت شاغل در بخش مزدگیری غیردولتی تا پنج سال قابل پرداخت می‌باشد.

کارفرمایانی که در مراکز کسب و کار خود، افراد دارای معلولیت جویای کار را استخدام نمایند، از پرداخت حق بیمه سهم کارفرمایی در قبال افراد دارای معلولیت جذب‌شده معافند، همچنین افراد دارای معلولیتی که به صورت خوداشتغالی یا در کارگاه‌های اشتغال خانگی و یا از طریق مراکز پشتیبانی شغلی مشغول به کار می‌باشند حسب مورد از پرداخت حق بیمه سهم کارفرما یا خویش‌فرما معاف می‌شوند. حق بیمه سهم کارفرمایی یا خویش‌فرمایی اینگونه افراد توسط دولت تأمین و پرداخت خواهد شد.



مهدیه ربیعی
کارشناس حقوق

برابر قانون کارفرمایان بخش غیردولتی که افراد دارای معلولیت که توانایی انجام کار داشته و مهارت‌ها و آموزش‌های لازم برای اشتغال را کسب نموده باشد را در مراکز کسب و کار خود استخدام کنند، در طول دوران اشتغال افراد دارای معلولیت با رعایت شرایط زیر از کمک هزینه ارتقای کارایی معلولان استفاده خواهند کرد:

۱- مدت قرارداد استخدامی کارفرما با فرد دارای معلولیت شاغل حداقل یک‌سال باشد.

۲- حقوق و دستمزد فرد دارای معلولیت شاغل براساس مصوبات شورای عالی کار و سایر قوانین و مقررات مربوط از سوی کارفرما پرداخت شود.

۳- سایر مزایای قانونی تصریح‌شده در قانون کار (مزایای رفاهی کارگران) به فرد دارای معلولیت شاغل پرداخت شود.

کمک‌هزینه ارتقای کارایی افراد دارای معلولیت عبارت است:

۱- پرداخت حداکثر پنجاه درصد (۵۰٪) حداقل حقوق و دستمزد ماهانه مصوب شورای عالی کار برای فرد دارای معلولیت شاغل

عقود و تعهدات قراردادی

قسمت چهارم



حمیدرضا به‌گذر
وکیل پایه یک دادگستری

خارج از مورد معامله و دارای ماهیت مستقل است لکن در اثر قرارداد تابع عقد اصل می‌شوند مثل شرط وکالت که ممکن است به صورت شرط نتیجه یا شرط فعل در عقد گنجانده شود یا هر فعل دیگری که به عنوان شرط ضمن عقددر نظر گرفته شود بر تقسیم فوق آثاری مترتب است از جمله این که شرط تکوینی یا تبعی قابل اسقاط نیست و نمی‌تواند مستقل از عقد ایجاد تعهد کند. به همین دلیل در صورتیکه قبل از عقد بدان تبانی نشود یا حین عقد قید نگردد چنین شرطی از بین می‌رود در حالی که اگر شرط تشریعی باشد، وجود مستقل دارد و پس از انعقاد عقد نیز می‌تواند به عنوان یک قرارداد تکمیلی ضمیمه عقد شود. شرط به اعتبار چگونگی بیان اراده نیز به شروط صریح و ضمنی تقسیم کرده‌اند که شرح آن در مباحث قبل آمده است و نیز به اعتبار نفوذ شرط آن را به ((فاسد)) و ((صحیح)) تقسیم کرده‌اند که قسمت اول آن به شروط باطل و شروط مبطل و قسمت دوم به شرط صفت، نتیجه و فعل تقسیم شده است که در مباحث آتی بدان خواهیم پرداخت. (طاهری، ۱۳۸۹)

شروط باطل

شروط باطل یعنی الزام و التزام بیپه‌وده و فاسد که عموماً ادله وفا آن را شامل نمی‌شود و فاقد شرایط اساسی و صحیح معامله بوده و به بیان ساده‌تر خلاف قانون و موازین شرعی باشد، چنین شروطی هر چند در ضمن عقد ذکر شده باشد باطل و بی‌اثر خواهد بود و قابل اعتنا نیست اما عقد کماکان به حیات خود ادامه خواهد داد، مگر این که مشروط له فسخ عقد را اراده کرده باشد. مانند اینکه کسی در عقدی با دیگری شرط کرده باشد که خانواده خود را به تو می‌فروشم و پول آن را دریافت می‌دارم به شرط آن که ماشین دیگری را آتش بزی که شرط باطل اما عقد صحیح است. (کاتوزیان، ۱۳۸۵)

شروطی که باطل و مبطل عقد می‌باشند

دسته دوم از شروط باطل که نه تنها خود باطل هستند بلکه بطلان آنها به عقد نیز سرایت می‌کند در ماده ۲۳۳ ق م آمده و چنین مقرر می‌دارد: در شروط مفصله زیر باطل و سبب بطلان عقد است:

- ۱- شرط خلاف مقتضای عقد
 - ۲- شرط مجهول که جهل به آن موجب جهل به عوضین شود
- باب اول: شرط خلاف مقتضای عقد
- در تعریف مقتضای عقد می‌توان گفت ((مقتضا)) چنان به ماهیت عقد وابسته است که اگر به وسیله شرط گرفته شود جوهر عقد نیز از بین می‌رود و در دید عرف یا قانون موضوعی برای آن باقی نمی‌ماند. بر مبنای این تعریف، هر شرطی که موضوع اساسی یا اثر اصلی و معنی هدف عقد را نفی کند، شرط خلاف مقتضای عقد است. مثل این که در عقد بیع شرط شود که مورد معامله وقف بر ایتم باشد. البته شرط خلاف مقتضای عقد ممکن است به روشنی در عقد قید گردد یا مورد تبانی واقع شود و عقد بر مبنای آن انعقاد یابد.))

ادامه در شماره صفحه بعد

مثلاً اگر مالکی تعهد به انتقال ثبت شده خود به نام دیگری به همان معنی کند و انتقال مالکیت ثبت شده از طریق تنظیم سند رسمی انتقال و ثبت آن در دفتر املاک است که لازمه این امر طی مقدمات قانونی و اداری مخصوص به خوداست. پس تعهد به انتقال مستلزم تعهد به انجام مقدمات نیز هست و قرار داد مربوط به انتقال، خود شامل این شروط ضمنی می‌شود. (طاهری، ۱۳۸۹)

شرط ضمن وسیله تغییر و تکمیل قرارداد است. در تفاوت شروط ضمنی و شروط تبانی می‌توان گفت: در شرط تبانی چون قصد واقعی بیان نشده مبنای تراض است، باید احراز شود که با آگاهی و توجه به شرط اقدام کرده‌اند. ولی در شرط ضمنی از آنجا که مفاد شرط مدلول التزام کلام آنان است و از راه‌های نوعی (عرف، عقل یا قانون) احراز می‌شود توجه و آگاهی نسبت به آن ضرورت ندارد و دو طرف اگر بیان مخالفی نکنند پایبند به مدلول کلام خود هستند نیز اگر شرطی که ضمن عقد آمده است از دیدگاه قصد مشترک ربطی به عقد نداشته باشد باید آن را التزامی مستقل یا تعهد ابتدایی دانست.

مشروط له و مشروط علیه

همچنان که ممکن است شرط به نفع یکی از دو طرف و علیه طرف دیگر باشد، در عین حال ممکن است به نفع یا علیه هر دو ایشان باشد، بدین معنی که درج شرط ضمن عقد اصلی مورد خواسته هر دوی ایشان باشد. در این صورت هر یک از ایشان به اعتباری مشروط له و به اعتباری مشروط علیه خواهد بود

اقسام شرط

شرط را به اعتبارهای گوناگون تقسیم کرده‌اند. برای مثال به اعتبار اثری که شرط در عقد می‌کند می‌توان آن را به سه گروه تعلیقی، فاسخ و تقلیدی تقسیم کرد که شرط اجل نیز باید به آن افزود. (صفایی، ۱۳۷۶)

گاهی اثر شرط بر عقد باشد به همین دلیل به آن ((شرط تقلیدی)) گفته‌اند و عقد و اجر آن را عقد مشروط نامیده‌اند. گاهی نیز شرط ایجاد آثار عقد را منوط یا معلق بر وجود یک واقعه خارجی می‌کند چنین شرطی ((شرط تعلیق)) نامیده می‌شود و عقد و اجر آن را عقد معلق می‌نامند. شرط فاسخ هم شرطی است که با پیدایش آن حق فسخ برای مشروط له موجود می‌شود. مانند شرط فسخ برای موجد در صورت تاخیر پرداخت اجاره بها که برخی آن را به اجل در متن عقد اصلی تعبیر کرده‌اند، مانند وکالت در نکاح و تقصیرات دیگری برای اجل که به نظر می‌رسد باید همه آنها را چهره‌های مختلف شرط اجل دانست و بیش از یک ماهیت برای آن قابل نشد. شرط را به لحاظ مبنا می‌توان به دو دسته تکوین و تشریعی تقسیم نمود. (وحدتی شبیری، ۱۳۷۹)

منظور از شرط تکوینی آن دسته از شروطی هستند که ماهیتاً تابع تعهد اصلی بوده و وجود مستقل ندارند مانند اوصاف مورد معامله که می‌تواند به عنوان شرط صفت در عقد، قید گردد. (فخلی، ۱۳۸۸)

منظور از مشروط تشریعی آن دسته از شروطی است که در حقیقت

رد دادرسی در امور کیفری

چنانچه قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرسی و یکی از طرفین دعوی یا شریک یا معاون جرم؛ وجود داشته باشد، از موارد رد دادرسی می‌باشد. مطابق ماده ۴۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری، دادرسی در موارد زیر باید از رسیدگی امتناع کند و طرفین دعوی نیز می‌توانند در این موارد ایراد رد دادرسی کنند:

الف- قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرسی و یکی از طرفین دعوی یا شریک یا معاون جرم؛ وجود داشته باشد.

ب- دادرسی، قیم یا مخدوم یکی از طرفین دعوی باشد یا یکی از طرفین، مباشر امور دادرسی یا امور همسر وی باشد. پ- دادرسی، همسر و یا فرزند او، وارث یکی از طرفین دعوی یا شریک یا معاون جرم باشند.

ت- دادرسی در همان امر کیفری قبلاً تحت هر عنوان یا سمتی اظهار نظر ماهوی کرده یا شاهد یکی از طرفین بوده باشد.

ث- بین دادرسی، پدر و مادر، همسر و یا فرزند او و یکی از طرفین دعوی یا پدر و مادر، همسر و یا فرزند او، دعوی حقوقی یا کیفری مطرح باشد یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور رأی قطعی، بیش از دو سال نگذشته باشد.

ج- دادرسی، همسر و یا فرزند او نفع شخصی در موضوع مطروحه داشته باشند.

تبصره- شکایت انتظامی از جهات رد دادرسی محسوب نمی‌شود. ماده ۴۲۲- ایراد رد باید تا قبل از صدور رأی به عمل آید. هرگاه دادرسی آن را بپذیرد، از رسیدگی امتناع می‌کند و رسیدگی به دادرسی علی‌البدل یا شعبه دیگر ارجاع می‌شود. در صورت نبودن دادرسی علی‌البدل یا شعبه دیگر، پرونده برای رسیدگی به نزدیکترین مرجع قضایی هم‌عرض فرستاده می‌شود.

هرگاه دادرسی ایراد رد را قبول نکند، مکلف است ظرف سه روز قرار رد ایراد را صادر کند و به رسیدگی ادامه دهد. قرار مذکور ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض در مرجع صالح است. به این اعتراض خارج از نوبت رسیدگی می‌شود.

مقامات قضایی دادسرا نیز باید در صورت وجود جهات رد دادرسی، از رسیدگی امتناع کنند. شاکی، مدعی خصوصی یا متهم نیز می‌توانند دادستان یا بازپرس را رد و مراتب را به صورت کتبی به او اعلام کنند. در صورت قبول ایراد، دادستان یا بازپرس از رسیدگی و مداخله در موضوع امتناع می‌نماید و رسیدگی حسب مورد، به جانشین دادستان یا بازپرس دیگر محول می‌شود و در غیر این صورت، باید قرار رد ایراد صادر و به مدعی رد، ابلاغ شود. مدعی رد می‌تواند در مهلتی که برای اعتراض به سایر قرارها مقرر شده است، به دادگاه صالح برای رسیدگی به جرم اعتراض کند. رأی دادگاه در این مورد قطعی است.

در مواردیکه دادگاه با تعدد قاضی تشکیل می‌شود، هرگاه نسبت به یکی از اعضاء ایراد رد شود و آن عضو از رسیدگی امتناع کند، دادگاه با حضور عضو دیگر تکمیل می‌شود و مبادرت به رسیدگی می‌کند. چنانچه ایراد رد مورد پذیرش قرار نگیرد، همان دادگاه بدون حضور عضو مورد ایراد در وقت اداری به اعتراض رسیدگی و قرار رد یا قبول ایراد را صادر می‌کند. هرگاه تعداد باقیمانده اعضای شعبه در اکثریت نباشند و امکان انتخاب اعضای علی‌البدل نیز برای رسیدگی به ایراد وجود نداشته باشد، رسیدگی به ایراد در شعبه دیوان عالی کشور به عمل می‌آید. هرگاه شعبه دیوان درخواست رد را وارد بدانند، پرونده جهت رسیدگی به دادگاه هم‌عرض ارجاع می‌شود.

آیا امکان وصول اجاره‌های معوقه و خسارات

از محل ودیعه مستاجر وجود دارد؟

مبلغ ودیعه واریزی از جانب شما نزد شورا به صورت توقیف بماند. در این صورت پس از صدور رأی، اجور معوقه، شارژ، خسارات و... از محل ودیعه تادیه خواهد شد.

شما می‌توانید تمامی خواسته‌ها را ضمن یک دادخواست مطرح کنید با این شرط که بهای خواسته‌ها از حد نصاب صلاحیت رسیدگی شورای حل اختلاف که تا ۲۰ میلیون تومان است، بیشتر نباشد. اگر بیشتر شد شورا فقط به تقاضای دستور تخلیه رسیدگی خواهد کرد و مطالبه خسارات و... در صلاحیت دادگاه قرار خواهد گرفت

با پایان یافتن مدت اجاره اگر در قرارداد در خصوص وصول مواردی مانند اجور معوقه، شارژ، خسارات وارده به ساختمان و غیره از محل ودیعه شرط نشده باشد، مالک نمی‌تواند رأساً نسبت به وصول آنها از مبلغ ودیعه اقدام نماید. بلکه موجد ابتدا باید تقاضای صدور «دستور تخلیه» در شورای حل اختلاف محل ملک مطرح نماید.

برای گرفتن دستور تخلیه باید مبلغ ودیعه به صندوق شورای حل اختلاف واریز شود. سپس شما بلافاصله می‌توانید با درخواست صدور «قرار تأمین خواسته» از شورای حل اختلاف بخواهید همان